

بررسی آثار مترتب بر توثیق سهام در حقوق انگلستان و ایران^۱

رحمت دشتی^۲

چکیده

این مقاله با موضوع آثار مترتب بر توثیق سهام در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق صرفاً کتابخانه‌ای است. از آن جا که سهام به عنوان مال منقول مادی دارای ارزش و قابل تقویم به پول می‌باشند قابل توثیق نیز هستند. در حقوق عرفی انگلستان (کامن لا) به وثیقه گرفتن سهام با دو عنوان توثیق سهام^۳ و توثیق منصفانه^۴ پذیرفته شده و آثاری چند بر توثیق سهام مترتب نموده‌اند. در این مقاله به آثار مترتب بر توثیق سهام و طریقه توثیق سهام براساس در حقوق کامن لا پرداخته شده است.

واژه‌گان کلیدی: ماهیت حقوقی سهم، توثیق سهام، اختطاریه توقیف، حق حبس سهام.

طبقه‌بندی موضوعی: K22,G38

۱. این تحقیق با حمایت مالی سازمان بورس و اوراق بهادار انجام شده است.

۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه مذاهب اسلامی

3. Legal mortgage

4. Equitable mortgage

مقدمه

سهام شرکت‌های سهامی عام و خاص به عنوان یک مال منقول مادی به شمار می‌آید یا به عبارت دیگر سهم عبارت است از قسمتی از سرمایه شرکت سهامی که مشخص‌کننده میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

پس از آنجا که سهام مال منقول مادی است، قابل توثیق است، زیرا دارای ارزش مالی و قابل تقویم به پول می‌باشند به گونه‌ای که در صورت عدم پرداخت دین از سوی بدهکار، طلبکار می‌تواند با اجرای حکم دادگاه، سهام مورد وثیقه را بفروش برساند و استیفای طلب نماید. در کامن لا توثیق سهام با دو عنوان توثیق قانونی و توثیق منصفانه پذیرفته شده و آثاری چند از جمله اختطاریه توقیف (صدور دستور ضبط اموال) حق حبس سهام را بر آن مترتب نموده‌اند.

هر چند قانونگذار در قانون مدنی (ق.م) ماده ۷۷۱ به بعد در مورد رهن مال مورد وثیقه، ویژگیها و خصوصیات مال مورد وثیقه، شرایط طلبکار و بدهکار و... به صورت مبسوط سخن به میان آورده و از سوی دیگر در ماده ۱۱۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت (ل.ا.ت) به توثیق سهام مدیران اشاره نموده، ولی به آثار ناشی از توثیق سهام که در فوق به آنها اشاره رفت سخن به میان نیاورده است. پس در این مقاله پس از تعریف سهم از نظر لغوی و اصطلاحی و ماهیت حقوقی، با رویکردی به حقوق کامن لا در رابطه با آثار مترتب بر توثیق سهام سعی شده موضوع به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفته و دعاوی سهامداران علیه یکدیگر و یا سهامداران علیه شرکت‌ها که در دادگاه‌ها اقامه شده، مورد مطالعه قرار گیرد.

اهمیت موضوع از آنجا است که مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ (ل.ا.ت) سال ۱۳۴۷ و همچنین ماده ۶۷ (ل.ا.ت) در مورد تعویض اوراق قرضه با سهام، توثیق سهام را مفروض پنداشته ولی به آثار ناشی از این عمل حقوقی که امروزه در معاملات تجاری شرکت‌ها و سازمان بورس چهره خود را نمایان نموده پرداخته نشده است. که در این مقاله با رویکردی به حقوق عرفی (کامن لا) تحقیق لازم با عنوان آثار مترتب بر توثیق سهام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سؤالات این مقاله عبارتند از:

ماهیت حقوقی سهام در مقوله کدام حقوق قرار می‌گیرند؟ آیا جز حق عینی هستند یا حق دینی؟

توثیق سهم در حقوق انگلستان و ایران به چه شیوه‌ای صورت می‌گیرد؟

در صورت توثیق سهم چه آثاری بر این عمل حقوقی مترتب است؟
 در صورت عدم پرداخت بدهی و وارد شدن خسارت طلبکار از سوی بدهکار، آیا طلبکار مستحق جبران خسارت خواهد بود؟

جبران خسارت باید به چه طریقی عملی گردد؟

۱- بررسی حقوقی سهام

۱-۱- تعریف سهام از نظر لغوی

سهام جمع سهم است و سهم در لغت به معنای حصه، نصیب، بخش است و جمع آن سهام و سهمه، اسهم و سهام می‌باشد. به واحد النبل چیزی که به منزله جاودانگی و بلندپایه است تعبیر کرده‌اند. (الشریف، ۱۹۹۹م ص ۶۹). دیگر تعاریف لغوی سهم عبارت است از ۱- حصه شریک در مال الشریکه، ۲- سندی است عادی که حکایت از مالکیت حصه معلوم در شرکت سهامی می‌کند و صاحب سهام در زیانها و سودهای شرکت شریک خواهد بود و در اداره شرکت دخالت دارد (لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۸۲۲۶).

۱-۲- تعریف سهم از نظر اصطلاحی

در حقوق تجارت انگلستان، سهم به منفعت یک سهامدار در شرکت سهامی معادل مبلغی پول بخاطر هدف ناشی از مسئولیت در درجه اول و ثانیاً به خاطر منفعت ناشی از آن تعریف شده است. هم چنین مطابق قانون شرکتهای تجاری ۱۹۴۸ انگلستان، سهم به قرارداد دوجانبه‌ای که بین شرکت و سهامداران منعقد شده، تعریف شده به گونه‌ای که یکی از ارکان اولیه اساسنامه‌های شرکت، سهم است. به هر حال سهم نمایانگر مبلغی پول با حقوق و تعهدات متعلق به آن از سوی قانون شرکتهای تجاری و اظهارنامه و اساسنامه شرکت‌های سهامی تعریف شده است (Worth, et al., 1977).

در شرکت سهامی هنگام صدور سهام باید خصوصیات مرتبط به آنها (از لحاظ نام، امتیازات و ...) از همدیگر مجزا شود و این عمل با انتشار انواع سهام از سوی شرکت امکان‌پذیر است. در حقوق ایران سهم به حقوق سهامدار در شرکت تعریف شده است. سرمایه هر شرکت سهامی به قطعاتی تقسیم شده که هر یک از آنها را سهم گویند. بنابراین سهم عبارت است از قطعاتی که مجموع آن سرمایه را تشکیل می‌دهد (عبادی، ۱۳۶۸ش، ص ۸۷). در ماده ۲۴ لایحه اصلاحیه قانون تجارت، سهم چنین تعریف شده است: (سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد).

در شرکتهای دیگر سهم هر شریک را سهم الشرکه می‌گویند ولی در شرکت سهامی به ذکر «سهم» اکتفا می‌شود مثلاً گفته می‌شود فلان شخص در فلان شرکت دارای یک یا چند سهم است. دارنده سهم نمی‌تواند به نسبت سهم از مایملک شرکت مالک باشد بلکه به نسبت سهم خود از شرکت دارای حق می‌باشد و به موجب آن از منافع شرکت استفاده کرده و در مجمع عمومی رأی می‌دهد و در صورت انحلال، از دارایی شرکت سهم خواهد برد. قانون در شرکت سهامی عام حداکثر قیمت اسمی سهم را ده هزار ریال معین کرده ولی در شرکتهای سهامی خاص حداقل و اکثری برای مبلغ اسمی سهم تعیین نشده است. در حقوق فرانسه، سهم دارای دو مفهوم است، مفهوم اول آن با مفهوم سهم‌الشرکه در شرکتهای غیرسهامی (تضامنی، نسبی، با مسئولیت محدود و ...) تطبیق دارد و مفهوم دوم ورقه‌ای است که حق مزبور در آن نوشته شده است (اسکینی، ۱۳۸۵ش، ص ۶۲). قانونگذار ما این دو مفهوم را از یکدیگر جدا کرده است. حق شریک در شرکت «سهم» و ورقه‌ای که بیانگر این حق است «ورقه سهم» خوانده می‌شود.

۱-۳- ورقه سهام

در حقوق تجارت انگلستان هر شرکتی بعد از توزیع و انتقال سهام یا اوراق قرضه باید در ظرف ۲ ماه آماده تسلیم برگه سهام باشد. مگر اینکه مسائل مربوط به صدور سهام و شرایط ناشی از صدور آن به طریق دیگری مقرر شده باشد.

شکل ورقه سهم تحت حاکمیت اساسنامه‌ای است که معمولاً مطابق امضاء یا مهر برای صدور برگه سهم مقرر شده است.

برگ سهام، ارتباط سهام را با یکدیگر و میزان مبلغی که بابت سهام پرداخت شده را معین می‌نماید. همچنین آنها باید به وسیله حداقل یک نفر هیات مدیره یا منشی امضاء شوند. اگر مظنه قیمت سهام مطابق بورس اوراق بهادار درخواست شده باشد، برگه سهام باید مطابق قوانین بورس اوراق بهادار دارای تاریخ و امضاء و مهر باشد و ثبت یادداشت بر روی آن بیانگر آن است که انتقال، بدون ارائه برگ سهام ثبت نخواهد شد (Smith, et al., 1976).

برگه سهم مطابق امضای عمومی شرکت سهامی تصریح می‌کند هر عضوی دارای سهم است اما این عمل دلیل قطعی از مالکیت اعضای سهم نیست (ماده ۸۱ قانون تجارت انگلستان). با وجود این، برگه سهم حتی اگر مطابق امضای شرکت صادر شده باشد یک سند حقوقی نیست بلکه یک نوع سند

عادی است. به عبارت دیگر دارندگان برگه سهام زمانی می‌توانند اعمال حقوقی (همچون بیع، نقل و انتقال و توثیق) را اعمال نمایند که عضویت آنها به عنوان دارنده در شرکت ثبت شده باشد.^۱ حقوق قانونی دارندگان از تصرف در سهام، ناشی از ثبت عضویت آنهاست نه ناشی از دارا بودن برگه سهم.

موضوع برگه سهم معاملاتی را که مربوط به سهم است، خواه ناشی از بیع باشد یا ناشی از توثیق، را تسهیل می‌کند و آنها را برای دارنده‌اش از ارزش بیشتری برخوردار می‌سازد. از سوی دیگر برگه سهم یک سند قابل انتقال قانونی نیست. به عبارتی دیگر هنگام انتقال سهام با نام، تشریفاتی را که (ماده ۴۰ ل.ا.ق.ت) مد نظر قرار داده لازم است و صرفاً قبض و اقباض کافی نیست ولی در مورد سهام بی‌نام، صرف قبض و اقباض کافی است به گونه‌ای که مفقود شدن یا تخریب موضوع چندان مهمی نیست (Worth, et al., 1977).

اساسنامه معمولاً مقرراتی را برای تضمین برگه سهام جدید در چنین مواردی (تخریب، تضییع و مفقود شدن) مقرر می‌نماید و اختیار تجدید سهام مفقود یا تضییع شده از سوی هیات مدیره را اساسنامه تعیین می‌کند. مساله قابل طرح این است که در قانون تجارت ما در صورت رخداد اعمالی همچون سرقت، تضییع یا تحریق سهم، رژیم حقوقی خاصی وضع نشده است. هر چند در باب پنجم ق.ت اسناد در وجه حامل (ماده ۳۲۲ به بعد)، در صورت گم شدن اسناد در وجه حامل مقرراتی را وضع نموده است اما تنها اشاره قانونگذار به مفقود شدن اسناد مذکور است و حالات دیگر را تبیین ننموده است حال آن که در کامن‌لا، قانونگذار در صورت رویداد حوادثی همچون، تضییع یا تحریق تضمیناتی را مقرر نموده است مثلاً ماده ۷ قانون شرکتها مقرر می‌دارد: اگر برگه سهم معیوب، پوسیده، مفقود یا خراب شود، می‌تواند تحت شرایط مقرر، در صورت اثبات و به منظور جبران خسارت و پرداخت هزینه‌های متعارفی که به وسیله شرکت هزینه شده است، تجدید شوند (Ibid, p.255).

در حقوق ایران، سهم شریک باید در ورقه‌ای قید شود که از آن به ورقه سهم تعبیر می‌شود. در ایجاد سهم نمی‌توان فقط به نوشتن حق صاحب سهم در شرکت، در حساب مخصوص اکتفا کرد. ماده ۲۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مقرر کرده است «اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لااقل دو نفر که به موجب مقررات اساسنامه تعیین می‌شوند برسد.» همچنین به موجب ماده ۲۶ لایحه مذکور در ورقه سهم نکات زیر با قید قید شوند:

1. South London Greyhound Race Course v. Wake [1931] 1ch. 469.

۱) نام شرکت: شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها، ۲) مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن، ۳) نوع سهم، ۴) مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد ۵) تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است.

صدور ورقه سهم موکول به این است که شرکت به ثبت رسیده باشد هرگاه قبل از ثبت شرکت اوراق سهام صادر شود علاوه بر باطل بودن اوراق مزبور، امضاء کننده مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهد بود (ماده ۲۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

اقدام به صدور سهام یا قطعات سهام، قبل از به ثبت رسیدن شرکت، یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد مستوجب مجازات حبس و جریمه مقرر در ماده ۲۴۳ (حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد). هرگاه شرکت پس از ثبت، آمادگی صدور اوراق سهام را نداشته باشد، مکلف است تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است، به تعهدکنندگان این گونه سهام گواهینامه موقت سهم با نام تسلیم کند که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهم با نام است (قسمت اخیر ماده ۳۰ لایحه قانون ۱۳۴۷). «تا شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهینامه مزبور ممنوع است» (قسمت اول ماده ۲۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷) گواهینامه موقت سهم نیز باید دارای شرایط شکلی ای باشد که در مواد ۲۵ تا ۲۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷ ذکر شده است. بدیهی است هرگاه شرایط شکلی راجع به صدور گواهینامه موقت سهم رعایت نشده باشد، گواهینامه مزبور باطل است؛ اما، قانونگذار برای صدور گواهینامه موقت سهم قبل از ثبت شرکت، مجازاتی معین نکرده است. صدور گواهینامه موقت سهم با نام موکول به این است که علاوه بر ثبت شرکت، تمام مبلغ اسمی سهم پرداخت شده باشد. (قسمت اول ماده ۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷)

۱-۴- ماهیت حقوقی سهام^۱

هر شخصی می تواند به دو طریق در شرکت سرمایه گذاری کند. او می تواند با سهیم شدن در سرمایه شرکت، سهامی را به خود اختصاص دهد و از این پس می تواند به عنوان سهامدار شرکت باشد. یا اینکه می تواند پولی را به شرکت قرض دهد و تضمیناتی را برای خود، به عنوان مثال اوراق قرضه، اخذ نماید. تمایز بین حقوق متعلق به اوراق قرضه و حقوق متعلق به سهام ممتاز تا اندازه ای مبهم است اما یک اختلاف اساسی میان این دو نوع ورقه وجود دارد. دارندگان اوراق قرضه اعضای شرکت نیستند، با این تعبیر دارندگان اوراق قرضه حق رأی در مجامع عمومی شرکتها را ندارند مگر اینکه دارای سهام با حق رأی

1. Nature of the Share

باشند. سهامدار منفعتی در شرکت دارد که شرایط آن به وسیله سهام منتشر شده معین می‌شود حال آن دارندگان اوراق قرضه حقوق متعلق به خودشان را دارا هستند. یک سهامدار حقوقی از شرکت همچون حق رأی دارد بنابراین او هنگام انحلال شرکت، سهم در مسئولیت ناشی از آن می‌باشد (Fnorthey, et al., 1989).

از سوی دیگر سهم مشتمل بر یکسری قراردادهای دوجانبه منعقد شده از سوی سهامداران مطابق با شرایط قانون شرکتهای تجاری است. قرارداد ذکر شده در اساسنامه تشکیل شرکت یکی از دلایل اولیه سهم می‌باشد.^۱

بنابراین دارندگان سهام، مشروط به منافع ذکر شده در اساسنامه شرکت، حق دریافت حصه معینی از منفعت شرکت و سرمایه شرکت، وقتی که منحل شود، را دارند (Lamy, 1971).

به هر حال تعیین ماهیت حقوقی سهام شرکتهای سهامی حایز اهمیت است؛ زیرا چگونگی توقیف این سهام، تشخیص پایگاه حق از نظر تعیین دادگاه صالح در حقوق داخلی، تعیین دادگاه صلاحیتدار و قانون حاکم در حقوق بین‌الملل خصوصی و نیز تعیین سهم الارث زوجه شریک متوفی^۲، بستگی به نوع ماهیت حقوقی سهم دارد و بند ۳ ماده ۶۳۰ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۸۵ شمسی که ذیل فصل دوم آن قانون تحت عنوان «توقیف اموال منقوله آمده بود سهام شرکتهای را اموال منقول می‌دانست.» (کمانگر، ۱۳۵۱، ص ۳۰۱)، (صقری، ۱۳۵۱، ص ۱۳۲).

ماده ۶۷ قانون اجرای احکام مدنی (مصوب ۱۳۵۶/۸/۱) نیز سهم را در زمره اموال منقول آورده است.^۳ با توجه به تعریفی که از مال غیرمنقول و ملحقات آن در قانون مدنی به عمل آمده است، سهام شرکتهای را نمی‌توان از جمله اموال غیرمنقول یا ملحقات آن دانست و لذا باید آن را اموال منقول محسوب کرد.

بنابراین سهم، مال منقول است و در صورتی که بی نام باشد به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود^۴، مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال اینگونه سهام به قبض و

1. Borland's Trustee Crossman, [1936] 1 All. 762. At p.769 [1937] A.C. 26, at p.40

۲. زوجه از زمین متعلق به زوج ارث نمی‌برد (ماده ۹۴۶ ق.م). اما طبق نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری شماره ۷۴/۸/۱۴-۷۴۹۵۸ طبق ماده ۹۴۶ ق.م زوجه از ابنیه و اعیان غیرمنقول که شامل آب قنات و چاه، موتور، چشمه، تأسیسات و ... می‌شود نیز ارث می‌برد منتهی با توجه به ماده ۹۴۷ ق.م زوجه فقط از قیمت اعیان ارث می‌برد نه از عین آنها و در صورت امتناع ورثه از ادای قیمت زوجه می‌تواند از عین آنها استیفای منفعت کند.

۳. نظریه مشورتی شماره ۱۹۳۳ / ۷-۵۹/۴/۶-۷ اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران (ر.ک. شهری، غلامرضا و امیرحسین آبادی، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل مدنی، ص ۴۰۲).

۴. طبق ماده ۳۵ ق.م «تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.»

اقباض به عمل می‌آید (ماده ۳۹ ل. ا. ق. ت) چنانچه سهم با نام باشد صرف تصرف برای احراز مالکیت کافی نیست و دفتر ثبت سهام شرکت باید این مالکیت را تایید کند.

شرکاء نسبت به اموالی که دارایی شرکت را تشکیل می‌دهد فاقد هرگونه حق عینی هستند و سهامی که در ازای آورده به هر شریک داده می‌شود، معرف مال معینی از اموال شرکت نیست، زیرا مالکیت آورده‌ها به شخص حقوقی (شرکت تجاری) منتقل شده است و پس از این فقط شرکت نسبت به آورده‌ها حق عینی دارد بر همین اساس، پس از انحلال شرکت، آورده هر شریک به همان شریک مسترد نمی‌شود و سرمایه شریک به نسبت آورده بین کلیه شرکاء تقسیم می‌شود (الماسی، ۱۳۸۶، ش، ص ۳۰۱). صاحب سهم نسبت به شرکت (شخص حقوقی) دارای یک حق دینی است که حسب آن می‌تواند به نسبت آورده خود از منافع شرکت منتفع گردد و در صورت انحلال شرکت قسمتی از دارایی آن را مطالبه کند. الماسی (۱۳۸۶) در خصوص ماهیت سهام شرکتهای فاعل به تفکیک شده، می‌نویسد: «اسناد با نام اسنادی هستند که نقل و انتقال آنها باید در دفتر شخص حقوقی (شرکت یا موسسه صادر کننده) ثبت شود. این قبیل اسناد جزء دیون [یا اموال غیرمادی] محسوب می‌شوند و بنابراین قانون قابل اعمال نسبت به آنها قانون اقامتگاه مدیون (شرکتهای یا شخص حقوقی متعهد) خواهد بود.

اسناد بی نام، مانند سهام شرکتهای و اوراق قرضه (اوراق مشارکت)، اسنادی هستند که به صورت سند در وجه حامل، تنظیم گردیده و دارنده آن مالک شناخته می‌شود. از آنجا که نقل و انتقال این قبیل اسناد به قبض و اقباض به عمل می‌آیند و دین در سند تجسم یافته است، بایستی آنها را از این لحاظ جزء اموال مادی به شمار آورد و مانند سایر اموال مادی مشمول قانون محل وقوع آنها دانست.^۱ در حقوق تجارت انگلستان، همچنان که اشاره شد، حقوق شرکاء کاملاً ناشی از قرارداد است. امروزه سهم مجموعه‌ای از حقوق ناشی از قرارداد است که به موجب ماده ۱۴ قانون شرکتهای تجاری ۱۹۸۵ شرکت نامه و اساسنامه به شریک داده می‌شود. پس سهم، یک حق دینی است یا مجموعه‌ای از حقوق ناشی از قرارداد و قانون که هر یک از این حقوق یک حق دینی محسوب می‌شوند. مالکیت قانونی سهم به شخصی که مستحق آنها می‌شود، خواه به وسیله تخصیص سهم توسط شرکت یا از طریق انتقال آن از دارنده قبلی، واگذار می‌گردد (Pennington, 1973).

نتیجه اینکه ماهیت حقوقی سهم، یک نوع حق دینی است که در زمره اموال منقول قرار می‌گیرد و سهامدار مطابق با این نوع حق از منافع شرکت بهره خواهد برد.

۲- توثیق سهام در انگلستان

در انگلستان، سهامداری که پولی را قرض می‌گیرد بابت تضمین بدهی خود می‌تواند سهامش را به دو شکل توثیق قانونی یا منصفانه در گرو طلبکار قرار دهد. با این اوصاف ابتدا این دو نوع توثیق را بررسی، سپس به آثار مترتب ناشی از توثیق خواهیم پرداخت.^۱

۲-۱- توثیق قانونی^۲

توثیق قانونی سهام با انتقال سهام به طلبکار و از طریق ثبت ناشی از انتقال از سوی شرکت موثر واقع می‌شود. هم‌چنین باید سندی را که بیانگر شرایط طلب است و توافقی را که بابت بازپس‌گیری سهام برای بازپرداخت مبلغ و منفعتی که قرض گرفته شده است بین طرفین مطرح گردد. این سند به طلبکار، در صورت کوتاهی بدهکار از ادای دین، اختیار فروش سهام را می‌دهد، طلبکار هنگام فروش موظف است تا به صورت متعارف قیمت اولیه فروش سهام را بدست آورد و لازم نیست منتظر قیمت اعلای سهام باشد ولی باید ارزش واقعی قیمت بازار را برای فروش سهام بدست آورد. هر عبارتی که در سند مالکیت به منظور مستثنی کردن مسئولیت ناشی از قصور قید گردد، باید صریحا بابت اثرات ناشی از آن بیان گردد.^۳ این نوع از توثیق، به طلبکار تضمین کامل می‌دهد تا ارزش واقعی سهام را بدست آورد. به عبارت دیگر طلبکار برای دست‌یابی به طلب خود، قیمتی را که برای فروش سهام در بازار متعارف است باید به دست آورد تا اکتساب حقوق نماید و وثیقه‌گذار متضرر نگردد. در این نوع از توثیق طلبکار مستحق سود سهام و اجرای هر نوع حق رأی مرتبط به سهام می‌باشد مگر اینکه توافق شده باشد که سود سهام به بدهکار پرداخته شود یا اینکه حق رأی را خود بدهکار مستقیما اجرا نماید.^۴ با وجود این محدودیت، اساسنامه می‌تواند توثیق قانونی سهام را ممنوع نماید. علاوه بر این، چنانچه مبلغ سهم به صورت کامل پرداخت نشده باشد انجام این امر منطقی و قانونی نیست. زیرا طلبکار براساس ثبت سهام به طور متعارف مسئول پرداخت ارزش اسمی سهام می‌باشد.

1. Worth & morse, p, 267 , 268 –smith and Deenan p.p 116 , 117

2. Legal mortgage

3. Bishop v. Bonham [1988] Bclc 650 (c.a)

4. Siemens brothers & coltd v. burns [1918] 2 ch . 324

۲-۲- توثیق منصفانه^۱

در حقوق تجارت انگلستان، توثیق منصفانه به سه شکل ذیل صورت گیرد:

۱- توثیق منصفانه سهام می‌تواند از طریق گروه نهادن برگه سهام به طلبکار بابت طلبش بعمل آید. در چنین مواردی طلبکار می‌تواند توثیق را با درخواست از دادگاه برای فروش سهام یا از طریق دستور به انتقال و اسقاط حق سهامدار اجرا نماید.

۲- شیوه‌ای که برای بدهکار خیلی رایج است تا اینکه برگه سهام را به وثیقه بگذارد، از طریق سفید امضاء است، یعنی انتقال امضا شده به وسیله بدهکار همراه با باقی گذاردن جای نام انتقال گیرنده است. در چنین مواردی طلبکار اختیار ضمنی دارد که اگر از جانب بدهکار بابت پرداخت دین در موعد توافق شده کوتاهی صورت پذیرد، یا اگر مدت زمانی برای بازپرداخت دین تعیین نشده باشد، در ظرف یک مدت زمان متعارف بعد از اخطار به سهام را بفروشد.^۲

معمولاً اختیار ضمنی فروش سهام شامل ورود نام خریدار در جای خالی انتقال است مگر اینکه اساسنامه بابت انتقال به صورت کتبی، طریق دیگری را مقرر نموده باشد. بدهکار مطابق تعهد، نباید ثبت انتقال نام‌نویسی شده را به تعویق اندازد.^۳

۳- اساسنامه می‌تواند مجاز بداند که اگر انتقال از طریق سند مالکیت باشد، طلبکار نتواند جای خالی انتقال را پر کند، مگر اینکه برای انجام این امر، روی سند مالکیت مجاز شناخته شود. در چنین مواردی توثیق منصفانه می‌تواند با گروه نهادن برگه سهام، بعلاوه انتقال سند مالکیت به طلبکار صورت پذیرد. اگر بدهکار از پرداخت طلب کوتاهی بورزد، طلبکار می‌تواند به انتقال ناشی از ثبت اعتراض نمایند.

در خود حبس مطلق، هیچ توثیق منصفانه‌ای وجود ندارد، زیرا نام بدهکار در دفتر ثبت باقی می‌ماند و می‌تواند سهامش را بفروشد و ثبت خریدار را با حق اولویت در برابر طلبکاری که آماده پرداخت جبران خسارت در برابر شرکت نیست، فراهم آورد. به عنوان مثال R و C برگه سهامشان و انتقال سفید امضاء را بابت بدهی به وثیقه می‌گذارند. بر روی برگه سهم مکتوب شده، «بدون ارائه برگه سهم هیچ نوع انتقال ارائه شده در حقیقت نمی‌تواند ثبت گردد». C سهامش را به Y می‌فروشد و شرکت به ثبت مالکیت سهام Y بدون ارائه برگه سهام اقدام نماید. R علیه شرکت بخاطر ثبت غیرقانونی سهام به نام Y اقامه دعوی می‌کند. رأی که از سوی دادگاه صادر گردید، شرکت را مسئول

1. Equitable mortgage

2. Hooper v. Herts [1906] 1 ch 549

3. Powell v. London and provincial bank [1893] 2 ch. 555. (c.A)

به حساب نیاورد، زیرا وی متعهد به مراقبت از مالکیت R نبوده، از سوی دیگر عبارتی که بر روی برگه سهام قید گردیده، فقط جهت هشدار به مالک سهم است تا از برگه سهام محافظت نماید نه اینکه این اظهارات ممنوعیت طرح دعوی را ایجاد نماید^۱.

در هر حال بدهکار باید هر نوع حق رای که را مستقیماً مربوط به طلبکار است اجرا نماید^۲.

۳- آثار مترتب بر توثیق سهام

در کامن لا که توثیق سهام را به دو مرحله توثیق قانونی و منصفانه تقسیم کرده‌اند، قانونگذار آثاری چند برای این دو نوع توثیق در نظر گرفته است که با اشاره به آنها، سعی در تطبیق این آثار با انواع سهام در حقوق ایران بعمل می‌آید.

۳-۱- اخطاریه توقیف

به منظور حمایت کامل از یک توثیق منصفانه سهام (توثیقی که در آن برگه سهم به صورت سفید امضاء در اختیار طلبکار قرار می‌گیرد)، باید اخطاریه توقیف ابلاغ گردد. انجام این عمل (اخطاریه توقیف) با پر کردن فرم استشهادنامه‌ای که بیانگر واقعیت‌ها است، و اخطاریه‌ای که فرم آن توسط اداره مرکزی دیوان عالی^۳ یا اداره ثبت^۴ شرکت تنظیم شده است و با ابلاغ یک نسخه از استشهادنامه مذکور به دفتر شرکت یا با ابلاغ اخطاریه المثنی به شرکت، صورت می‌پذیرد. اثر این اخطاریه بدین معنا است، تا زمانی که آن (اخطاریه) قدرت اجرایی داشته باشد، اگر شرکت هر تقاضایی برای ثبت انتقال این نوع سهام دریافت کند باید اخطاریه را به صورت کتبی به شخص اخطار شونده ارائه نماید.

در کامن لا در ظرف ۸ روز چنین شخصی باید درخواست قرار منع انتقال را بنماید وگرنه شرکت می‌تواند انتقال مورد نظر را به ثبت برساند. توثیق منصفانه به عنوان یک وثیقه کامل برخلاف توثیق قانونی، محسوب نمی‌شود، زیرا نام بدهکار در دفتر ثبت سهام باقی می‌ماند و وی می‌تواند به سهولت آن را به شخص دیگری بفروشد یا انتقال دهد. از سوی دیگر، چون توثیق منصفانه سهام به صورت برگه سفید امضاء است و طلب طلبکار را به صورت توثیق قانونی سهام تضمین نمی‌کند، در نتیجه باید بین صاحب سهام و طلبکار اقرارنامه‌ای که شکل و فرم آن از طرف اداره ثبت شرکتها تنظیم شده است، تدوین و تنظیم گردد. ماده ۴۰ ل.ا.ق.ت. ایران همانند حقوق تجارت انگلستان شیوه و راه حلی

1. Rainford v. James Keith & Black Man Co Ltd [1905] 1 Ch 296. Reversed on the facts [1905] 2 Ch. 147 (C.A) on the facts the company was affected with notice of R's charge and he was able to recover the price of the shares which had been paid to the company in repayment of a loan made by the company to C.

2. Wise v. Lindsell [1921] 1 Ch. 420

3. In the Central Office of the Supreme Court

4. District Registry

را که برای توثیق منصفانه سهام لازم است پیش بینی نموده است. در نتیجه باید برای اطمینان خاطر طلبکار بابت توثیق این نوع سهام، چنین اقرارنامه‌ای که بیانگر حالت توثیق و انتقال سهام به طلبکار است، باید تنظیم گردد. (Worth, et al., 1996)

۲-۳- صدور دستور ضبط اموال^۱

طلبکار مالک سهام ثبت شده می‌تواند دستور ضبط سهام را بابت پرداخت بدهی بدهکار بدست آورد، تا زمانی که دستور فک رهن مورد وثیقه داده نشده باشد، شرکت اجازه انتقال مورد وثیقه را به جز با حکم دادگاه دارا نیست. به عبارت دیگر شرکت فقط با صدور حکم دادگاه مجاز به انتقال اموال ضبط شده به نفع طلبکار می‌باشد.^۲

تا زمانی که این قرار نقض نشده، مگر با اجازه دادگاه، شرکت نمی‌تواند اجازه انتقال سهام را بدهد. قرار ضبط اموال قبل از تاریخ اجرای آن هیچ حق اولیاتی که از طریق گروه نهادن برگه سهم یا برگه سفید امضاء بابت توثیق ایجاد شده، بوجود نمی‌آورد. هر چند طلبکار می‌تواند در صورت فقدان بهبودی اوضاع از سوی بدهکار در زمانی که قرار صادر شده اجرای آن را بخواهد.

۳-۳- حق حبس سهام^۳

اساسنامه شرکتهای سهامی خاص می‌تواند حق حبس سهام از سوی مالک را بابت قیمت یا مبلغ قسطی پرداخت نشده سهام یا دیگر دیون حال شده از وی را به شرکت بدهد. ولی در شرکت سهامی عام اساسنامه می‌تواند چنین سهامی را فقط بابت مبلغ یا قسط پرداخت نشده آنها حبس نماید. شرکت می‌تواند به جز در مورد بهره فراتر از نرخ قانونی ۴ یا طلب، انواع سهام سهامداران را بابت عدم پرداخت دینی که از سوی بدهکاران در جریان عادی امور تجاری شرکت ببار آمده حبس نماید.

چنین حق حبسی یک نوع ضبط اموال منصفانه بر روی سهام است، و حقوق یکسانی را برای سهامداران بوجود می‌آورد همچنان که اگر سهام‌ها از سوی سهامداران به نفع شرکت صریحاً ضبط می‌شدند، چنین حقوقی بوجود می‌آید.^۴

1. Charging order

2. R.S.C., order 11.

3. Lien on shares [English law] and how a lien is enforced

4. Money-lending

5. Everitt v. Automatic weighing machine co. [1892] 2 ch. 506.

مطابق ماده ۸ قانون تجارت انگلستان، شرکت در ابتدا حق حبس هر نوع سهمی (البته غیر از سهامی که مبلغ اسمی آنها کلاً پرداخت شده) بابت مبالغ قابل پرداخت در زمان ثبت یا مبالغی که در اثر این نوع سهام قابل مطالبه می‌باشد را دارا است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که شرکت حق حبس سهامی را که قیمت آنها در مدت زمان معینی قابل پرداخت است ولی پرداخت نشده را دارا است. در هر زمان هیات مدیره‌ها می‌توانند سهامی را که مبلغ آن کلاً یا قسمتی از آن پرداخت شده از این مقررات معاف نمایند. حق حبس از جانب شرکت تا زمانی که کل مبلغ اسمی سهام پرداخت گردد در جریان است. اساسنامه شرکتهای سهامی خاص می‌تواند مقررات ماده ۸ ق. ت انگلستان را گسترش دهد تا هر نوع دین بوجود آمده از سوی سهامداران در برابر شرکت را در بر گیرد (worth, et al., 1996).

چنانچه یکی از اعضای هیات مدیره به خاطر بدهی بوجود آمده از جانب شرکت مبلغ صورت حسابها را از جانب خودش بپردازد، در چنین مواردی باز شرکت حق حبس سهام وی را دارد. زیرا به استناد دیگر مواد، هیات مدیره از پرداخت مبلغ دین بابت توثیق سهامش ممنوع شده است. زیرا شرکت دینی را برای هیات مدیره ایجاد ننموده تا آن را پرداخت نماید، همچنین وی به صورت ساده بدهکار شرکت است.^۱

اساسنامه‌ها می‌توانند حق حبس سهامی را که مبلغ اسمی آنها به طور کامل پرداخت شده تضمین نمایند. اما در چنین مواردی نمی‌توانند مظنه قیمت واقعی بورس اوراق بهادار را بدست آورند. اگر حق حبس صورت گرفته مطابق مقررات اساسنامه باشد این عمل فقط بر روی سهامی که مبلغ اسمی آنها کاملاً پرداخت نشده، قابل اجرا است و شرکت توانایی تغییر این نوع از مقررات اساسنامه را داراست و می‌تواند حق حبس را بر روی همه نوع سهام اجرا نماید، حتی اگر فقط یکی از اعضای شرکت به این نوع تغییرات تمایل داشته باشد.^۲

ماده ۲۴ مقرر می‌دارد هیات مدیره‌ها این اختیار را دارند تا ثبت انتقال سهامی را که در حبس شرکت است، را رد نمایند (نپذیرند).

سهامدار، مغایر با حق حبس اجرا شده، می‌تواند التزام شرکت را به واگذاری (تایید) حق حبسشان به مالک اسمی که مایل به پرداخت مبلغ حق حبس هستند، را بنماید. به عبارت دیگر چنانچه شخصی

1. Chompagne Perrier – jouet S.A.V.H.H.finich ltd [1982] 1w.L.R 1359

2. Allen V. gold reefs of west Africa ltd [1900] 1 ch . 659 (C.A)

مایل به پرداخت مبلغ اسمی سهام حبس شده در مقابل واگذاری آنها به وی باشد، سهامدارا می‌تواند شرکت را ملزم به انجام این امر نماید.

۳-۴- حق تقدم ناشی از حق حبس^۱

وقتی شخص ثالثی از قبل مبلغی را بابت توثیق (تضمین) سهام پرداخته است سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا شخص ثالث بر شرکت حق تقدم در حبس سهام را دارد یا خیر؟ در چنین مواردی، اگر شخص ثالث اختاریه ناشی از توثیقش به شرکت، قبل از حق حبس شرکت در سهام، ایجاد شده باشد، شخص ثالث حق تقدم ناشی از حبس سهام را خواهد داشت، در غیر اینصورت حق تقدم قابل اجرا نیست. به عبارت دیگر اگر شخص ثالث در حق حبس مقدم بر شرکت باشد، این حق برای وی اعمال می‌شود. به عنوان مثال اساسنامه شرکتی حق تقدم حبس و ضبط را بر روی سهامی که بابت دیون حال شده سهامدار گرفته شده قرار می‌دهد و سهامدار توثیق منصفانه‌ای از سهامش را با درگرو نهادن برگه سهم به بانک به عنوان تضمین ناشی از اعتبار بوجود می‌آورد و بانک ابلاغیه توثیق را به شرکت ارائه می‌نماید. در نتیجه، سهامدار، بدهکار شرکت می‌گردد آن گاه که حق حبس به نفع شرکت اجرا شود، در اینصورت بانک همانند شرکت حق تقدم در حبس سهام بعد از اعلام توثیق منصفانه سهامداران را داراست. این اعلامیه به عنوان اعلامیه توثیق به شمار آورده نمی‌شود اما این اختاریه، در ویژگیهای تجاری شرکت، با علم به منفعت بانک، اثرگذار است.^۲

به نظر می‌رسد که این وضعیت می‌تواند از همدیگر متفاوت باشد و رافع مسئولیت شرکت از تعهدات اخذ اختاریه قاعده انصاف در رابطه با سهام باشد. به طور مشابه از آنجا که سهامدار یک متعهد است، حق حبس شرکت برمدعیان مالک منافع، غلبه دارد مگر اینکه شرکت، قبل از حق حبس ایجاد شده، اعلامیه داده باشد که سهامدار فقط یک امین است نه چیز دیگر. به عبارت دیگر می‌توان گفت که حق تقدم شرکت در حبس سهام، بر بانک مقدم است و سهامدار هم به عنوان متعهد یا امین شرکت محسوب می‌شود.

۳-۵- جبران خسارت سهام^۳

گرچه جبران خسارت سهامداران شرکت سهامی از سوی قانون تجارت انگلستان تایید شده است اما هیأت مدیره‌ها می‌توانند جبران خسارت سهام را، فقط اگر اساسنامه صریحاً انجام این امر را مجاز شناخته باشد و فقط برای سهامی که قیمت آنها کاملاً پرداخت نشده یا به صورت قسطی پرداخت شده، مطالبه نمایند.

1. Priority of lien
2. Brad ford banding co. v. Briggs & co (1886) 12 APP cas. 29
3. Forfeiture of shares

ماده ۱۸ ق. ت انگلستان مقرر می‌دارد، «اگر قیمت باقیمانده سهام بعد از اینکه حال و قابل پرداخت شده، پرداخته نشود، هیات مدیره می‌تواند به اشخاصی که دیون آنها حال شده (مدت زمانی که بیش از ۱۴ روز نباشد) اخطاریه مبلغی را که پرداخت نشده همراه با منفعتی که از آن مبلغ منتج می‌شد، ارسال نمایند. این اخطاریه به مکانی که پرداخت باید انجام گیرد فرستاده و باقی بماند و به گونه‌ای که اگر اخطاریه این نوع سهام‌ها که باید مبلغ اسمی آنها پرداخته شود مورد قبول قرار نگیرد، مسئول جبران خسارت عدم پذیرش هم خواهند بود (Worth, et al., 1990).

جبران خسارت که، نوعی ماهیت جزایی دارد، فقط زمانی که متأثر از مقررات اساسنامه باشد، مانند ابلاغ اخطاریه، معتبر است. هر نوع بی‌نظمی که خلاف مقررات اساسنامه باشد، باعث بطلان جبران خسارت می‌شود.^۱

همچنین به منظور حمایت خریداران از جبران خسارت سهامی که ممکن است جبران خسارت از آنها خلاف قاعده باشد، سند مالکیت آنها به خاطر بی اعتبار بودن اقامه دعوی ناشی از جبران خسارت تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد. مطابق با مقررات اساسنامه، جبران خسارت سهام در شرکت سهامی خاص ممکن است از طریق فروش یا انتشار مجدد سهام صورت پذیرد. شرکت سهامی عام در صورتی می‌تواند جبران خسارت سهام را بپردازد که در مدت سه سال سهام آنها به فروش رود در غیر این صورت، جبران خسارت باطل است و شرکت نمی‌تواند در یک مدت زمان محدودی به این نوع سهام حق رای بدهد. جبران خسارت سهام می‌تواند با انتشار مجدد به قیمتی کمتر از آنچه که بابت آنها پرداخته شده صورت پذیرد. به عنوان مثال شرکتی، شماری از سهام ۵ پوندی، و ۲ پوندی را به قیمت ۵ دلار جبران خسارت نمود و پیشنهاد شده بود که بابت سهام‌هایی که مجدداً منتشر شده مبلغ ۳۰ دلار پرداخته شود شرکت چنین عملی را انجام داد، هر چند که ملزم به معامله جبران خسارت سهام نبود حتی اگر بابت آنها مبلغی پرداخت نمی‌شد.^۲

از جمله یکی از موارد ارزش مبلغی اسمی که متناسب با جبران خسارت می‌باشد این است که خریدار سهامی که مجدداً منتشر شده‌اند، موظف به پرداخت تمام مبلغ اسمی سهام پیش فروش شده در سر موعد می‌باشند، نتیجه اینکه گویی قیمت سهام تنزل پیدا نکرده، هم چنین شرکت از قبل مبلغ

1. Johnson v. Lyttle's Iron Agency (1877) 5 Ch.d. 687 (C.A)

2. Morrison v. Trustees, Corpn Lt.d (1989) 68 1.j.ch.11. (C.A)

پرداخت شده را دریافت کرده و خریدار هم باید پرداخت مبالغی را که متعاقباً خارج از مالکیت بوجود آمده بپذیرد.^۱

اثر این نوع جبران خسارت متوجه مالک اولی سهام است تا وی را از مسئولیتش نسبت به پرداخت سهام بری الذمه سازد.^۲

البته، اساسنامه معمولاً به منظور جلوگیری از وضعیت بوجود آمده مسئولیتی را برای مالک اولیه سهم وضع می‌نماید. همچنین شرکت نمی‌تواند تفاوت بین مبلغ اسمی سهام حاصل شده و مبلغی که بابت انتشار مجدد سهام دریافت کرده باز پس گیرد. نتیجه اینکه جبران خسارت سهام ممکن است از طریق انتشار مجدد یا از طریق پیش فروش آنها باشد که هر کدام متناسب با نوع شرکت و اساسنامه مربوط به آنها، دارای آثاری متفاوت می‌باشند.

نتیجه‌گیری

از ویژگیهای بارز توثیق سهام، آثار مرتب بر این عمل حقوقی است؛ به گونه‌ای که برای طلبکار، در اثر این عمل حقوقی، بسیاری از حقوق و امتیازات مرتبط به آن نمایان می‌گردد مثلاً با حق حبس سهام، سهامدار (بدهکار) نمی‌تواند بدون رضایت طلبکار، سهام مورد وثیقه را به شخص ثالثی منتقل نماید. همچنین در اثر انتقال سهم به شخص ثالث، حق تقدم عینی ایجاب می‌نماید که حقوق متعلق به طلبکار نسبت به دیگر طلبکاران محفوظ بماند یا در صورت عدم پرداخت بدهی در زمان سررسید، طلبکار می‌تواند علیه بدهکار اقامه دعوی کند و وی را ملزم به جبران خسارت نماید. این نوع آثار در کامن‌لا و حقوق عرفی مشهودتر است و در نظام حقوقی ما کمتر به این مسئله پرداخته شده است. در هر صورت، هنگام انجام عمل حقوقی توثیق سهام، آثار آن دامنگیر طرفین معامله بوده و این آثار یا به صورت شرط ضمن عقد یا به صورت مستقل بین متعاملین (انتقال دهنده و گیرنده سهم) چهره خود را نمایان می‌سازد.

1. ReRandt gold mining co. [1904] 2 ch 468, rebolton , blow , shows that the converse is true

2. Stocken's case (1868) L.R. 3 ch . App. 412, in coldsmith.v. colonial finance etc. corpltd [1909]8c.I.R.241., Griffith c.j

منابع و مأخذ:

۱. الشریف، محمد عبدالغفار؛ ۱۹۹۹م؛ بحوث فقیهه معاصره، بیروت: دارابن حزم.
۲. لنگرودی، محمدجعفر جعفری؛ ۱۳۸۵ش؛ ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۳. عبادی، محمدعلی؛ ۱۳۶۸ش؛ حقوق تجارت، تهران: گنج دانش.
۴. اسکینی، ربیعا؛ ۱۳۸۵ش؛ حقوق تجارت، تهران: سمت.
۵. کمانگر، احمد؛ ۱۳۵۱ش؛ مجموعه قوانین حقوقی؛ تهران: بی نا.
۶. صقری، منصور؛ ۱۳۵۱ش؛ حقوق تجارت، تهران: بی نا.
۷. الماسی، نجادعلی؛ ۱۳۸۶ش؛ حقوق بین الملل خصوصی، تهران: میزان.
8. Worth, Charles & Cain, 1997. Company Law, Published by Steven & Sons.
9. Smith, K. Keenan, D.J.1976, Company Law, Published by Lt.d,.
10. Worth, Charles & Cain,1977 Company Law, Published by Steven & Sons.
11. Worth, C,& Cain,1977, Company Law, Published By Steven & Enons.
12. Fnorthey J. & Leigh,1989. Introdution To Company Law, Published By Butter Worths.
13. Hardy L, E.R. Topham And Lvamys,1971 Companylaw, Published by Butter Worths Shawand Sons Ltd.
14. Pennington, R, 1973. Company Law, Published Butterworth & Co.
15. Worth: C & morse,1999 company law, published by, sweet .
16. Smith k ., Deenan M. D.J.– company law,2000 , published by, pitman.

Archive of SID